

کارزار منع خشونت خانوادگی، فعالیت جمعی از زنان برای ثبت و انتشار خشونت در خانواده‌ها، با هدف ممانعت از افزایش و تکرار آن و آگاهی بخشی به قربانیان و زنان خشونت دیده‌است که از آذر سال ۹۵ آغاز شد. این فعالان سعی کردند در قالب شبکه‌های اجتماعی به گفت‌وگو با زانی که در خانه و محیط کار با زندگی خود در معرض انواع واقسام خشونت قرار گرفتند، مصاحبه‌و نتایج آن را برای آشنایی دیگر زنان ثبت و منتشر کنند. در آستانه دوسالگی کارزار منع خشونت خانوادگی و هم‌زمان با نزدیک شدن به روز جهانی مقابله با خشونت علیه زنان، با «بنفشه جمالی» و «جلوه جوهری» که از ابتدا در این حرکت جمعی فعال بوده‌اند گفت وگویی کرده‌ایم. در این گفت‌وگو، این دو فعال حقوق زنان به اهداف، عملکرد، موانع و دستاوردهای کارزار اشاره کرده‌اند.

- کارزار منع خشونت خانوادگی چیست، چگونه‌از چه زمانی آغاز به‌فعالیت کرد؟**

کارزار منع خشونت خانوادگی حرکتی مستقل و جمعی است که توسط تعدادی از فعالین حقوق زنان از چندین شهر ایران راه‌اندازی شده‌است. این کارزار آذر ۹۵ هم‌زمان با بیست‌وپنج نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان، فعالیت خود را با برگزاری نشست‌ی در شهر تهران رسماً آغاز کرد. در این نشست، فعالین حقوق زن از شهرهای مختلف حضور داشتند. هدف از برگزاری این نشست معرفی کارزار و چرایی ضرورت تصویب قانونی جهت منع خشونت خانگی بود. هدف کارزار تلاش برای تصویب قانون منع خشونت خانگی علیه زنان از طریق اطلاع‌رسانی عمومی و رسیدن به اجماع در جامعه مدنی است.

- چرا از بین خشونت‌ها رایج در جامعه و انواع خشونت‌ها علیه زنان موضوع خشونت خانگی را برای این کارزار برگزیدید؟**

خشونت خانگی یکی از شایع‌ترین خشونت‌های مبتنی بر جنسیت است که در جهان بر اساس روابط صمیمی بین افراد و در محیط خصوصی رخ می‌دهد. بر اساس آمارهای رسمی جهانی از هر سه زن یک زن نوعی از خشونت خانگی را در طول زندگی خود تجربه می‌کند. در ایران متأسفانه به دلیل محدودیت‌های همیشگی که وجود داشته‌است آمار رسمی در خصوص خشونت خانگی نداریم. طبق منبع رسمی که می‌توان به آن رجاع کرد، پیامی است که در سال ۱۳۸۲ در ۲۸ مرکز استان توسط وزارت کشور در خصوص همسرآزاری انجام‌شد. بر اساس این پیامی‌اش ۶۶ درصد از زنان ایرانی در طول زندگی مشترک خود حداقل یک نوع خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند. در سال‌های اخیر هم شاهد آشنایی آمارهای پرتکانفدای از سوی پژوهش‌پسندی و سازمان اورژانس کشور در خصوص خشونت خانگی بوده‌ایم. به‌طور مثال رییس اورژانس اجتماعی طی مصاحبه‌ای با روزنامه ایران گفت خشونت خانگی در سال گذشته ۴ درصد افزایش داشته‌است. آمار بالای خشونت خانگی در ایران و وقایع و تاثیراتی که این خشونت به‌جامی‌گنارد ما را بر آن داشت که به‌فکر راه‌اندازی کارزاری باهدف آگاهی‌رسانی در خصوص خشونت خانگی و ضرورت تصویب‌قانونی‌برای پیشگیری‌از این خشونت‌ها فرماییم.

- کارزار مشابهی هم در دنیا با کشور خودمان بوده یا اولین کارزار در این مورداست؟** در دنیا کمپین‌های مختلفی در خصوص مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان وجود داشته‌و دارد. اما در خصوص ایران تا جایی که من اطلاع دارم به‌حال هیچ‌رم فعالیت‌های فردی یا گروهی که در خصوص خشونت خانگی وجود داشته‌است فعالیتی به‌این شکل که شامل چندین گروه از شهرهای مختلف باشد، وجود نداشته‌است. ضمن اینکه این اولین بار است که در حوزه زنان با یک پیشنهاده مشخص و اجرایی پیش می‌رویم. نکته دیگر این است که مادر راه‌اندازی کارزار منع خشونت خانگی کسی که در تجربیات زنان در کشورهای دیگر بصوص کشورهای مسلمان و کشورهای که به لحاظ فرهنگی نزدیک به‌ما هستند و همچنین تجربیات گروه‌های داخلی که در خصوص مبارزه‌با خشونت خانگی فعالیت داشته‌اند، به‌برهه‌بریم، یکی از این تجربیات تلاش گروه‌های زن در لبنان و افغانستان بوده‌است. به‌ویژه در لبنان فعالین حقوق زن سال‌ها تلاش کردند تا بتوانند پیشنهاده‌قانونی خود را به‌کس پی‌بندانند.

«قانون» در گفت وگوبا جمعی از فعالان، کارزار منع خشونت خانوادگی را بررسی کرد

حال «زار» حمایت‌از زنان



- ایده راه‌اندازی کارزار از چه زمانی به ذهن گردانندگان آن رسید؟**

چند سال پیش تعدادی از حقوق‌ها و وکلای فعال در زمینه حقوق زنان به دلیل نبودقانونی در خصوص منع خشونت خانگی تصمیم‌به‌نوشتن یک پیش‌نویس قانونی در ارتباط‌با منع و پیشگیری خشونت خانگی گرفتند. یکی از اهداف کارزار جمع‌آوری نظرات زنان به‌ویژه زنان خشونت دیده و متخصصان و فعالان مدنی (در حد توان و امکاناتی که دارد) بر روی این پیش‌نویس قانون و به‌روزرسانی آن است. می‌خواهیم با آگاهی‌رسانی و اطلاع‌رسانی، حمایت همگنی‌رادر خصوص ضرورت تصویب‌قانونی‌برای مبارزه‌با خشونت خانگی جلب‌کنیم.هدفماتصویب‌قانونی‌است که رویکردی ترویجی، پیشگیرانه‌ترمیمی و حمایت‌گرا داشته باشد و منافع همه زنان خشونت دیده (از جمله مهاجران) را به‌ویژه در زمینه ابعاد پنهان خشونت در نظر بگیرد. ثبت روایات‌ها و تجربیات زیسته زنان در زمینه خشونت خانگی از طریق گفت‌وگوی چه‌په‌چهره‌به‌ه‌با کاری‌گری آن در اصلاح قانون پیشنهادی از اقدامات دیگر این کارزار است.

- شروع کارزار چگونه اطلاع‌رسانی شد؟** همان‌طور که قبلاً‌به‌عنوان شد کارزار فعالیت رسمی خود را با برگزاری نشست‌ی در چهارم آذر ۹۵ هم‌زمان با روز جهانی منع خشونت علیه زنان آغاز کرد. در این نشست، اهداف و فعالیت‌های کارزار با خواندن بیانیه آن معرفی و عنوان‌شد هر فردی در هر کجای ایران و هر ایرانی در خارج از ایران با چندین‌هدف‌ان موافق باشمی‌تواند به‌آن پی‌بندد و در راستای اهداف آن گام بردارد یا حمایت خود را از این حرکت جمعی اعلام کند.

- فعالیت کارزار به چه صورت بوده‌است؟** کارزار منع خشونت خانگی دارای دو کار گروه رسانه و آموزش است. در کار گروه آموزش، با وظایب کارزار منع خشونت خانگی با برگزاری کارگاه‌های مختلف در خصوص خشونت خانگی در شهرهای مختلف در حقیقت به اطلاع‌رسانی در رابطه با انواع خشونت خانگی و ارائه راه‌کارهای فردی و جمعی برای مواجهه با این نوع خشونت به افراد شرکت‌کننده در این کارگاه‌ها می‌پردازند. همچنین برای مستندسازی روایات‌ها و تجربیات زیسته زنان در خصوص خشونت خانگی از آن‌ها خواسته می‌شود روایات‌های خود از خشونت خانگی را بنویسند. در نهایت هم نظرشان روی پیش‌نویس قانون (پیش‌گفته) پرسیده می‌شود. کار گروه رسانه در حقیقت به تولید محتوای رسانه‌ای در خصوص آگاهی‌رسانی مرتبط با خشونت خانگی، انواع و مبارزه با این خشونت‌ها می‌پردازد. در کار گروه رسانه همچنین روایت‌های جمع‌آوری‌شده از کارگاه‌ها مستندسازی و منتشر می‌شوند. این کار گروه در این مدت توانسته حدود ۴۰ فیلم انیمیشن کوتاه ترویجی – آموزشی را زیرنویسی یا تولید کند. یکی دیگر از اقدامات فعالان کارزار، اطلاع‌رسانی چه‌په‌به‌چهره در مکان‌های عمومی از جمله خیابان، پارک و پاساژهاست.

- آیا کارزار دایمی است یا فعالیت آن زمان مشخصی دارد؟ چرا و چگونه به پایان می‌رسد؟**

معمولاً وقتی کارزاری به‌راه می‌افتد زمان و هدف محدودی دارد. تا در بازه زمانی آن بتواند به ترویج خواسته‌اش بپردازد. کارزار یک فعالیت محدود به لحاظ زمانی و شیوه عملکرد و اهداف خاص آن که بیشتر گفته‌شد، است. ابتدا بازه زمانی یک‌ساله را برای آن در نظر گرفتیم اما یک سال دیگر هم زمان آن تمدید شد. به این ترتیب فعالیت کارزار تا دهه مبارزه‌با خشونت (اولی آن) ادامه خواهد داشت، ما فرصت مشخصی را تعیین کردیم تا به‌طور هدفمند خواسته مشخص خود را به‌میان مردم (به‌اندازه توان) عرضه ببریم و این مساله را در جامعه به‌مساله عمومی تبدیل‌کنیم تا بتوانیم راه‌حلی که برای آن ارائه‌دادیم را مطرح و ارزیابی کنیم. اما از همان ابتدا انتظار نداشتیم بتوانیم به این هدف برسیم. انتظار ما گام برداشتن در این مسیر و نزدیک شدن به هدفمان با تلاش جمعی بود. می‌دانستیم فرآیند تبدیل‌کنیم قانون در کشور ما یک فرآیند طولانی و انرژی‌بر است که گاه نسل‌ها طول می‌کشد. بسیاری از قوانین ماز دهه ۱۳۰۰ تغییر نکرده‌اند. تنگ نظری قانونگذار در ایران برای هر نوع تغییر قانونی مطابق شرایط روز گاهی شگفتی‌آفرین است. این وجود معتقدیم در در اینجاست که می‌کنیم یا نیست تغییر ایجاد کنیم. معتقدیم هر کدام از فعالیت‌های جمعی از جمله این کارزاری می‌تواند قدمی در راه رسیدن به هدف کاهش خشونت باشد و نباید نماندیدی پیشه کرد. اگر کارزار تا یک‌ماه دیگر در راستای اهداف این کارزار استوار نگردد، کارزار را به‌طور کل در براره خشونت علیه زنان است اما ما در کارزار برای موضوع خشونت خانگی علیه زنان تمرکز زیاد هستیم. تقاضای مردم در موضوع نیست در رویکرد است. ما تا حدی که در توان مان بدهمی خواستیم این حرکت جمعی و مشارکتی باشد. بعلا‌اشاره می‌کنم با چه مشکلاتی در این زمینه مواجه بودیم. اما به‌هر صورت این رویکرد را داشتیم و در قدم اول، پیش‌نویس قانون و کارلا به‌صورت اینترنتی منتشر کرد و دهه‌به‌صورت کافتی نیز در اختیار کسانی که می‌خواستند قرار دادیم. اصرار ما بر این بود که به‌ویژه زنان که اغلب با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کنند نظر خود را در رابطه با نهادهای قانون بنویسند. برای همین تا حد ممکن قانون را در ۱۳ بند ساده کردیم و از شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های آموزشی ترویجی مان نظر خواستیم. چالش اینکه با بررسی نظر‌ها متوجه شدیم اکثر نظر‌های زنان شرکت‌کننده در کارگاه‌ها در متن نوشته‌شده مستتر است. در حالی که این هم‌نظری به همین میزان از و کلایی که در کارگاه‌های مشورتی نظر‌شان دربرافت کردیم نبود. یکی از دلایل این به‌طور خاص این بود که اول اینکه از ابتدا وقتی که‌این پیش‌نویس نوشته‌می‌شد بسیار به تجربه‌به‌پرورنده‌های خشونت مراجعه‌شد. دیگر اینکه در نوشتن پیش‌نویس، بیش از آنکه توجه به نظر دو تمدران و شناسن پذیرش پیش‌نویس در مجلس باشد و به‌سوی مصالح‌موقع گروه‌های

- اکنون که در پایان فعالیت کارزار هستید آن را تاچه حد قیدیمی‌دانید؟** تا حدودی پاسخ دادن به این سوال سخت‌است چون بررسی کرده‌ایم که چقدر توانستیم منشارت را بشیم. اما تنها چیزی که به‌عنوان یکی از دستاوردهای کارزار از آن می‌توانم به جرات نام ببرم، کمک به شکستن سکوت در زمینه خشونت خانگی است. پیش از این در چندین کارگاه و پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان برای گروه‌های مختلف زنان حضور داشته‌ام. در بخشی از کارگاه‌ها معمولاً نوشتن تجربه خشونت خانگی مطرح بود. اما هیچ‌گاه تجربه‌های زیادی در یافت نکرده بودیم. اما تجربه همه‌کارانم در کارزار نشان داد که بسیاری از زنان در کارگاه‌های ترویجی کارزار، سکوت‌شان را شجاعانه شکستند و تجربیات خود را بر روی کاغذ نوشتند. انتشار این تجربه‌ها (با حفظ نام و هویت افراد) توانست اهمیت شکست سکوت را تا حدی نشان دهد، به‌طوری‌که تجربه‌های قابل توجهی از زنان ایرانی از مناطق مختلف ایران از جمله خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان، کردستان و… به‌کمال کارزار فرستاده‌شد. با برخی آن‌ها توانستیم صحبت کرده‌ایم و مشاوره‌های محدودی هم در حد توان دادیم. نوشتن این تجربه‌ها قرار نیست مردمان را هدف بگیرد. قرار است بگوید من یک‌مساله دارم در میان همین مردم زندگی می‌کنم، آیامی توانی مساله من را ببینی؟ قرار است راه‌حل بیافریند.

هدف داشت. همسویی نظرات زنان با این پیش‌نویس، نه تنها حس خوشایندی داشت از این که متن نوشته‌شده در راستای خواسته‌بسیاری از کسانی است که با آن‌ها توانستیم گفت‌وگو کنیم بلکه نوید آن را می‌دهد که چنین متنی اگر تبدیل به قانون شود خاک نمی‌خورد و مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین حتی اگر موانع کار باعث شده باشد که نتوانسته باشیم به گروه هدف به‌اندازه کافی ارتباط بگیریم در پله اول مشارکت که اطلاع‌رسانی است موفق بودیم (البته به میزان دسترسی مان به رسانه‌ها) اما لایحه دولت اصلاح‌چنین چیزی را مدنظر قرار نداده‌است. این لایحه هرگز به اطلاع عمومی نرسید. ما نمی‌دانیم این هندل‌ها سر بسته چیست؟ هر بار به‌مامی‌گویند این میزان جرم‌انگاری کرده‌این میزان تغییر کرد ولی در اسل‌س نمی‌دانیم چه بوده و چه شده. حالا هر بار که از تغییر آن حرف می‌زند حس می‌کنیم از یک متنی دار چیزهایی کم می‌شود و معلوم نیست به چه‌شتر گویانگی تبدیل شده‌است. الان هم که به‌قم فرستاده‌شده است، این گونه روند قانون‌گذاری در ایران که مطلقاً خواسته مردم را نمایندگی نمی‌کند و تنها نظر گروه خاصی از مردم را در بر دارد قطعاً به قانونی بدون پشتوانه تبدیل خواهد شد. این پشتوانه در مورد حله ضروری بود. مرحله تصویب قانون تا مردم به پشتیبانی از چیزی که می‌خواهند بیایند و روند تصویب تسریع شود. دوم در مرحله کاری‌گری آن بود. یک زن خشونت دیده زمانی می‌تواند از قانون برای پیشگیری از خشونت استفاده کند که آن قانون شرایط را بر او در نظر بگیرد. او شایسته‌ترین فرد است برای نظردهی در باره چنین قانونی. اینجاست که بین این دو متن قانونی شکاف بسیار ایجاد می‌شود. در واقع همان شکافی که میان حاملان آن (مرد و دولت) ایجاد شده‌است.

- در طول برپایی کارزار با مشکل یا تقاضای مواجه‌نشدید؟**

قطعاً ما مندر هر حرکت جمعی دیگری با انتقاد مواجه بودیم و کارهای مان با اشکال همراه است. همه انتقادها شاید در اینجا قابل بیان نباشد اما به چند نمونه آن اشاره می‌کنم. یکی از انتقادها این بود که به‌اندازه کافی در رسانه‌ها عمومی نشد. دو دلیل داشت یکی اینکه نیرو و توان مان کافی نبود دوم اینکه تا همین الان کسی کردیم بیشتر به جنبه عملی کار توجه کنیم تا رسانه‌ای البته بخش اعظم دلیل دوم به‌موانع پیش روی مان بر می‌گردد. چون نمی‌خواستیم انجام این فعالیت که کاملاً اجتماعی است حساسیت برانگیز شود یا حریم‌انیمیتی‌شده کند کتار گذاشته‌شود. تعداد دیگر که بیشتر از داخل جمع کارزار مطرح بود، عدم گسترش فعالیت‌های مان به مناطق مختلف ایران در حد لازم بود. موانع بر سر راه فعالان حقوق زن زیاد است. مشارکت به حداقل‌هایی از باز بودن فضای اطلاع‌رسانی و ترویج و فعالیت نیاز دارد که هیچ‌کس پوشیده‌نشده‌چون هر وقت دست‌ها تنگ تر می‌شود. بسیاری از فعالیت‌ها بر حسب‌انیمیتی کتار گذاشته‌می‌شود. در چنین فضای ایجاد شده‌امیان مردم هم به‌سختی ممکن است. مثلاً اگر فضای نداشته باشیم که بتوانیم دیگران را دعوت کنیم تا به این فضاییان در فضاهای خانگی دست‌به‌عمل می‌زنی‌کنیم که خود به‌خود نوعی بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند. به خصوص که گروه مخاطب اصلی ما زنان هستند، زنانی که در خانه خشونت می‌بینند و برای‌شان تصویب چنین قانونی اهمیت دارد. پس این زنان بسیاری‌شان با خشونت اجتماعی مواجهند و توسط همسران‌شان یا پدران‌شان وارد می‌شوند. چنین افرادی می‌بایست به فضایی وارد شوند که بتوانند آن فضا را هم به‌همسر خود معرفی کنند. از‌سوی دیگر هر کدام از این فعالیت‌ها در حد امکانات و توان فعالان کارزار انجام شده‌است. چرا که در این فعالیت جمعی همه کارها را با نیروی انسانی و توان مالی خودمان انجام می‌دهیم و از هیچ سازمانی تا کنون حمایت نشده‌ایم. طبیعتاً با مشکلات اقتصادی پیش رو، گسترش کارزار با اطلاع‌رسانی چه‌په‌به‌چهره در شهرهای مختلف به‌تول‌مالی اعضای کارزار بستگی دارد. کم‌الینکه در برخی از شهرهای که فاصله زیادی با فعالان کارزار داشت نتوانستیم ورود کنیم؛ و علی‌رغم آنکه کسانی پذیرای ما بودند. در حالی که هنوز هم بهترین راه ارتباطی حضور مستقیم است. موضوع دیگر این است که هیچ‌کدام از اهداف کارزار کمک‌آورزانسی نبوده‌ام. اما از آنجا که سازمان‌های محدودی در این زمینه فعال هستند یا مصالحا سازمانی نیست، مجبور می‌شویم وقتی زن خشونت دیده‌ای به ما مراجعه می‌کند، به کار او رسیدگی کنیم. اما واقعیت این است که توان مادر این زمینه‌ها همان ابتدا بسیار محدود بود. رسیدگی‌آوری‌سری یک کار حرفه‌ای است. تنها یک گروه آموزش دیده می‌توانند این کار را به‌جا بگیرند. این موضوع باعث‌شد در میانه راه تصمیم بگیریم از مددکاران روانشناسن و وکلادرخواست‌مشاوره رایگان یاا هزینه‌باین‌دیهدیم. به اطلاع‌رسانی در باره‌های کوچک و میانبر قانونی دست‌نرزم. اما طبیعتاً بسیار دست‌وپا شکسته در این زمینه‌عمل کرده‌ایم.

خشونت تنها ضرب و شتم نیست

منصوره میرقاسمی

امروز می‌خواهم از او بنویسم… از او بی که همیشه و همواره بر دل مهربان و رونفش ظاهر روا شده‌است و دل‌نگران‌ش را نگران‌تر از قبل ساخته‌است. از او… از جواهر درون‌ش، از محبت و مضا و بردباری‌اش و از جفاهایی که زمانه‌ب‌ادل او داشته‌و دارد. امروز می‌خواهم از او بنویسم؛ از بانوانی مهربان و صبور و از ستم‌هایی که جامعه در حق‌شان روا داشته‌است. زن و جفاها و ستم‌های عیدیه‌ای که همواره از جامعه و خانواده بر او یورش برده‌شده‌است. می‌خواهی این ستم‌ها و خشونت‌ها را برایت نام ببرم؟ دلت به درد نمی‌آید؟ می‌توانی صوری کنی؟

می‌دانم اشک را بر چشمانت می‌کشانم اما میا و گوش به درد دلی ساده بده و با ما همراه شو… فقط چند دقیقه… با مایی که سال‌هاست با این دردها عجبین شده‌ایم؛ خشونت تنها کتک و ضرب و شتمنی است که او را بیچگی با داستان ناپدری و حتی چه بسا پدرش با آن بزرگ شده، نیست. خشونت تنها ناسزاها و فحاشی‌هایی که با آن قد کشیده نیست، او امروز نیز که بزرگ شده لحظه به لحظه با خشونت‌های عیدیه‌ای روبروست. چه بگویم از تفاوت‌های فاحشی که پدر بین او و برادرانش قائل می‌شد و حتی اجازه تحصیل در شهری دیگر را به او نمی‌داد فقط به جرم دختر بودنش؛ چه بگویم از حسادت و خشونت همسرش به دلیل از تقای شغلی وی در محل کارش؛ خشونت تنها ضرب و شتمنی نیست… چه بگویم از اسیدپاشی‌ها و قتل‌های ناموسی که زنان جامعه را در بر می‌گیرد… چه بگویم از زن شاعلی که علاوه بر مسئولیت‌های عیدیه محل کارش در خانه می‌بایست مداری کند، همسری خوب باشد، کدبانو باشد، مهربان و صبور باشد و آخر همه این‌ها وظیفه‌اوست.

خشونت تنها کتک و تهدید و ارباب نیست، خشونت آن لحظه‌ای است که پسران جوان به خود اجازه می‌دهند دهان‌شان را برای مشتک براندن به دختران پاکدامن محله باز کنند. خشونت آن لحظه‌ای است که مردان جامعه به خود اجازه تنه زدن و سوءاستفاده‌های مختلف از زنان و دختران جامعه را به خود می‌دهند. خشونت آن لحظه‌ای است که مردان تحصیل کرده ما با چشمان حریص و سیری‌ناپذیر خود همکاران خود را می‌آزارند. خشونت تنها ضرب و شتم نیست. چه بگویم حتی از خشوتی که زنان جامعه برای همخوان خود روا می‌دارند. به دختران مجردی که سن از دواچ آن‌ها بالا رفته‌است. لقب ترسیده می‌دهند و برای ازداد بی‌شوره لقب بیوه و مطلقه را انتخاب می‌کنند و در حصار این چند کلمه آن‌ها را تا سرحد جنون آزرده خاطر می‌سازند. خشونت آن لحظه‌ای است که پیشنهادهای بی شرم‌انه به زنان پاکدامن می‌جامعه‌ده می‌شود چرا که می‌دانند به‌لقمه‌ای نان نیاز دارند. خشونت آن دخترانی هستند که شبکه‌های مجازی تن و اندام وز بیایی خود را ملمعه در آمدزایی ساخته‌اند و خود نمی‌دانند چه بر سر خود می‌آورند.

آزارهایی که گاهی اوقات حتی باعث خودکشی بعضی از کار‌بر‌ها شده‌است. خشونت آن لحظه‌ای است که چند عکس شخصی دخترکی که به دست ناخوانم‌دی می‌افتد، او را تا سرحد جنون می‌کشاند و چه حق قصود‌ها می‌کند و نمی‌بایست به خاطر چند تصویر ساده بپردازد و چگونه از این دام پر در دسر رهایی یابد. سکوت دختران، دم بر نیار و دشمنان، آزار‌های جنسی که از اقوام و معلمان اطرافیان می‌بینند و به حکم دختر بودن‌شان باید همیشه سکوت کنند و دم بر نیاروند. امروز می‌خواهم از او بنویسم و از دردها و رنج‌ها و خشونت‌هایی که در جامعه بر او روا می‌دارند و هیچ کس هم کاری برایش نمی‌کند. فقط هراز چند گاهی، مطلبی برای چند روز به‌سود ای داغ می‌شود و سسر و صدایی به پا می‌کند و بعد از چند هفته همه چیز به فراموشی سرده می‌شود. آه از خشونت‌هایی که بر دل مظلوم او روا داشته می‌شود و هیچ کس دوا بی برای درد‌هایش ندارد.

جنبش «می‌تو» در حمایت از زنان آزار دیده

مدت‌ها پیش در هالیوود جنبشی به نام «می‌تو» یا «من هم» راه افتاد که در آن زنان از خشونت‌ها و آزار‌های جنسی‌های سوی مردان می‌دیدند را می‌نوشتند. با راه افتادن این جنبش و بعد‌تر، انتخاب این قربانیان خشونت و تعرض جنسی به عنوان چهره سال، این سوال در ذهن ایجاد می‌شود که وضعیت آزار جنسی در کشور ما چطور است و آیا حلاله که چنین جنبشی در کشور مختلف در حال شکل گرفتن است و به جای خاموش شدن بر اثر مرور زمان، روز به روز شعله‌ور تر می‌شود. قربانیان خشونت و آزار جنسی در ایران هم سکوت‌شان را خواهند شکست؟ فضای اجتماعی چنین اجازه‌ای را به آن‌ها می‌دهد؟ قانون از آن‌ها حمایت می‌کند؟ فضای فرهنگی برای این افسا‌گری خشونت فراهم است؟ ما زنان ایرانی هم سال‌ها با درد آزار‌های جنسی زیسته‌اند و آن را تحمل کرده‌اند اما فرهنگ سازی برای امنیت زنان باید از جایی آغاز شود. باید گوش‌ها فریاد اعتراض زنان را بشنود که آن‌ها هم می‌خواهند مانند مردان راحت در این جامعه زندگی کنند، بدون اینکه وقتی در خیابان راه می‌روند، نگران مزاحمتی باشند که هر لحظه از راه می‌رسند و آن‌ها را اذیت می‌کنند. جمعی از فعالان حقوق زنان در حرکتی بسیار ستودنی اقدام به نصب پوسترهایی با شعار «من آزار می‌بینم تو سرگرم می‌شوی» کردند که در آن از مجازات‌های قضایی آزار‌های کلیدی در خیابان می‌گوید که شامل مجازات و حبس می‌شود. اما بسیاری از زنان بعد از تجاوز‌های جنسی به داد‌گاه و دادرسا مراجعه نمی‌کنند چون راه بریج و خمی‌را برای‌بر اثبات این تجاوزی‌ی‌کنند و شاید این تجاوز ثبت‌شود یا نه.

نیمچه گزارش

جنبش‌های اجتماعی و تلاش برای منع خشونت علیه زنان

قربانیان خشونت سکوت نکنند

دقیقی در مور دندار می‌چرا که بسیاری از زنان خشونت‌انجام‌شده را گزارش نمی‌دهند. لوهم‌چنین گفته‌بود براساس تحقیقات انجام‌شده در تهران ۲۷ درصد زانی که مورد تحقیق بودند، به‌نوعی دچار خشونت شده بودند. حدود ۶۰صدنیز دچار خشونت جنسی و هشت درصد خشونت عاطفی و روانی را مطرح کرده‌بودند. در واقع می‌توان گفت در تهران اغلب خشونت‌ها خشونت روانی است و از هر سه زن، یک‌زن دچار خشونت شده‌است. این در حالی است که در برخی از استان‌ها خشونت علیه زنان بیشتر از تهران است چرا که به‌لحاظ فرهنگی و سایر شرایط وضعیت زنان در شهر تهران خیلی بهتر از مناطق دیگر کشور است. معاون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفته‌بود، خشونت علیه زنان بر گرفته‌از فرهنگ مذکر و مردسالار است و در واقع تاریخ کشور ما پیش از آنکه توجه به نظر دو تمدران و شناسن پذیرش پیش‌نویس در مجلس باشد و به‌سوی مصالح‌موقع گروه‌های

دقیقی در مور دندار می‌چرا که بسیاری از زنان خشونت‌انجام‌شده را گزارش نمی‌دهند. لوهم‌چنین گفته‌بود براساس تحقیقات انجام‌شده در تهران ۲۷ درصد زانی که مورد تحقیق بودند، به‌نوعی دچار خشونت شده بودند. حدود ۶۰صدنیز دچار خشونت جنسی و هشت درصد خشونت عاطفی و روانی را مطرح کرده‌بودند. در واقع می‌توان گفت در تهران اغلب خشونت‌ها خشونت روانی است و از هر سه زن، یک‌زن دچار خشونت شده‌است. این در حالی است که در برخی از استان‌ها خشونت علیه زنان بیشتر از تهران است چرا که به‌لحاظ فرهنگی و سایر شرایط وضعیت زنان در شهر تهران خیلی بهتر از مناطق دیگر کشور است. معاون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفته‌بود، خشونت علیه زنان بر گرفته‌از فرهنگ مذکر و مردسالار است و در واقع تاریخ کشور ما پیش از آنکه توجه به نظر دو تمدران و شناسن پذیرش پیش‌نویس در مجلس باشد و به‌سوی مصالح‌موقع گروه‌های

هدیه کیبایی

دبروز ۲۵ نوامبر روز جهانی خشونت علیه زنان بود. از سال ۱۹۸۱، ۲۵ نوامبر هر سال (معدل چهارم یا پنجم آذر) به‌عنوان روز جهانی رفع خشونت علیه زنان برگزیده شده‌است. این روز برای یادآوری عزم همگانی برای مبارزه با خشونت علیه زنان انتخاب شده‌است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۹ نام‌گذاری این روز را به‌عنوان روزی جهانی تصویب کرد. در زنان همواره در جهان مورد خشونت‌های بسیاری قرار گرفته‌اند و در ایران نیز این چنین است. خشونت‌هایی که در خیابان، محل کار و خانه در معرض آن قرار می‌گیرند و گاهی هیچ فریاد رسمی برای آن نیست. حتی قوانین نیز توانایی جلوگیری از این خشونت‌ها را ندارند. خشونت‌هایی که به دلایل مختلف و اولین دلیلش ترس بی‌آبرویی و قضاوت شدن، قربانی را مجبور به سکوت می‌کند.

قربانیان تجاوز متهم نیست

در جوامعی تروست‌تری، این خشونت‌ها و آسیب‌های بیشتر است. در ایران موارد خشونت علیه زنان، در مواردی مانند پرونده‌های خاصی چون تجاوز به زنان یاسیدپاشی‌گله‌حتی متهم‌های آن شنلایی نشدند دیده‌می‌شود. در پرونده تجاوز به دختران ایرانی شهری امام‌جمعه اهل سنت ایرانی شهر گتیه‌بود که ۴۱ نفر از دختران ایرانی شهری تجاوز شده‌است اما بعد از چندی گفتند که تنها چهار یا پنج‌نفر از قربانیان حاضر به شکایت شدند. این در حالی است که «کنار» در ۲۸ خرداد از قول علیرضا خانی دادستان آذرشهر نوشته‌است: «خشنتین گزارش ۱۹ خرداد ۹۷ با موضوع آدم‌ربایی به‌علا‌ما شد. ابتدا موضوع آدم‌ربایی